

صنعت بحران زده و چشم اندازهای آینده

از: همایون فروزان

دولت جدید برای حل مشکلات صنعت و تولید در کشور و روغن کاری چرخهای که گردش مطلوب آنها، زندگی مردم جامعه ما را متحول می‌سازد، و نیز برای ساماندهی اقتصاد کشور، خط مشی‌های خوش‌بینانه بسیاری را ترسیم کرده است.

هدف‌هایی در قالب شعارهایی امیدبخش به عنوان راه-کارهای ثمربخش ارائه شده که گرچه در جلب آراء مردم مؤثر بود، اما اجرای مجموعه آنها کاری بس دشوار است، چنان دشوار که اگر همه عوامل اجرایی با حرکتی هماهنگ برای تحقق آنها اقدام نکنند، نمی‌توان در مورد رسیدن به هدفهای ترسیم شده امیدوار بود.

یکی از شعارهای جذاب و امیدوارکننده انتخاباتی آقای خاتمی «وفاق ملی» بوده و هست، اما دولت ایشان، نخست باید این «وفاق» را از درون خود عینیت بخشد.

به بیانی صریح‌تر می‌توان چنین گفت که اگر قرار باشد دولت آقای خاتمی به آنچه وعده داده است نزدیک شود نیاز است که همه حلقه‌هایی که زنجیره اقتصاد کشور را تشکیل می‌دهند پیوستگی و وحدتی راستین یابند و همه مسئولان و کارگزاران حول یک هدف مشترک گرد آیند و صداقانه در اجرای برنامه‌های سازندگی بکوشند.

باید مدیران و مجریان بخش‌های کشاورزی، صنایع، معادن، دارایی، بانکی، گمرک، راه و ترابری، بازرگانی، دانشگاه، بیمه، کار و امور اجتماعی و دیگر سازمانها و نهادها یک دل و هم سو با هم برای اجرای سیاستها و مقررات جدیدی که گروهی از دولتمردان اقتصادی از اواخر هفته دوم شهریورماه مأمور تهیه رنوس آنها شده‌اند اقدام کنند. لازم است یک عزم ملی نه فقط برای تهیه مقررات و قوانین و راه کارهای جدید ایجاد شود، بلکه باید تمهیداتی را به کار بست که از اولین تا آخرین حلقه زنجیره اجرایی کشور، از دولتمردان بلند پایه گرفته تا مجریان ساده در بخش‌های مختلف دولت، با درکی واقع بینانه از ضرورت‌های زمان، و با شناخت واقعیات حاکم بر اقتصاد کشور، چنان اجزاء تشکیل دهنده یک ماشین بطور هماهنگ عمل کنند.

هرگاه رئیس جمهور جدید موفق به ایجاد چنین تحولی شود مسلماً «وفاق ملی» برای نخستین بار در کشور ما تحقق یافته است.

برنامه مقدماتی دولت آقای خاتمی برای متحول کردن بخش صنعت کشور با این جمله آغاز می‌شود: «ایجاد شرایط مطمئن برای صنعتگران و شکوفایی تولیدات ملی»

حصول به این هدف مستلزم توجه به نکات متعددی است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ارتقای بهره‌وری نیروی کار، گسترش آموزش‌های حرفه‌ای، تشویق مادی و معنوی مبتکران



و بها دادن به خلاقیت و کارآفرینی، گسترش آموزش‌های مدیریتی و سازمان‌دهی علمی واحدهای تولیدی، گسترش و تکمیل مراکز تحقیقاتی فنی و مهندسی و پژوهشی، ایجاد نظام اطلاع رسانی و شفاف کردن قوانین و مقررات حاکم بر تولید و ایجاد امکان اشتغال برای همه دست اندرکاران اقتصادی و جویندگان کار.

جز مواردی که فوقاً به آنها اشاره شد و ظاهراً مورد توجه مسئولان دولت جدید هم هست، لازم است به موارد زیر نیز بهای لازم داده شود: نهادینه کردن و نوسازی مستمر توانمندیهای تولیدی با توجه همه جانبه به امور فنی-مهندسی، نرم‌افزاری، افزایش مهارت نیروی کار، نوسازی ماشین آلات (سخت‌افزار)، تقویت مدیریت، تکمیل زیر ساخت‌های خدمات اقتصادی پشتیبانی‌کننده تولید (نظیر بیمه، خدمات پولی و بازرگانی) نباید فراموش کرد که صیانت از جریان سالم

تولید مستلزم حفظ حقوق تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، و مراقبت در مورد رعایت ضوابط و معیارهای استانداردهای تولیدی است. ایجاد یک نظام مناسب برای دادخواهی تولیدکننده و مصرف‌کننده و رسیدگی سریع به این دادخواستها، حمایت از سرمایه‌گذارهای مکمل زنجیره تولید، اصلاح نظام مالیاتی در جهت تشخیص و دریافت عادلانه مالیات و نیز حمایت از سیاست‌های تولیدی از طریق معافیت‌ها و تسهیلات مالی، از دیگر راه کارهای اساسی است که به نظر می‌رسد دولت جدید به آنها توجه دارد.

تحقق برنامه کلان توسعه اقتصادی دولت آقای خاتمی به همین موارد ختم نمی‌شود، بلکه باید هدفهای اساسی دیگری را در زمینه تقویت پول ملی، ایجاد تنوع در کالاها و خدمات صادراتی با هدف رهایی از اقتصاد متکی به صدور نفت، پرهیز از مصرف‌زدگی و اسراف در منابع ملی، تشویق پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در امور تولیدی، قانونمند کردن بازار سرمایه و نظارت بر آن و سرانجام، گسترش و تقویت بخش تعاون را در برنامه‌های دولت لحاظ کرد.

تولیدات بی‌خبردار

وزرای جدید اقتصادی در شرایطی صندلی وزارت را تحویل گرفتند که علی‌رغم تلاشهایی که طی هشت سال گذشته برای سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و اصلاح زیرساختهای صنعتی انجام شده است، در مجموع، صنعت کشور گرفتار بحران است، و صنایع با ساختاری بیمارگونه به حیات خود ادامه می‌دهند. طی سالهای اخیر با امکاناتی که از سوی دولت فراهم شد سرمایه‌های زیادی در آن گروه از تولیدات صنعتی به کار افتاد که امروز در بازار مصرف برای آنها خریدار کافی وجود ندارد.

از سوی دیگر، در مقابل فراوانی و حجم عظیم تعدادی از تولیدات، کاهش قدرت خرید مردم از یک سو و عدم قدرت جذب بازار از سوی دیگر موجب شده خیلی از فرآورده‌ها مازاد بر تقاضای بازار باشد که از جمله می‌توان به فرآورده‌های نظیر چیپس، پفک، بستنی، ویفر، شکلات، بیسکویت، لواشک، ماکارونی، کیک، دستمال کاغذی، نوار بهداشتی، پوشاک بچه، شامپو، مایع ظرفشویی، سفیدکننده‌ها، موکت، فرش ماشینی و حتی مداد و خودکار اشاره کرد. این وضع

← اقتصادی

تولیدکنندگان چنین کالاهایی را با مشکلات فراوان دست به گریبان کرده است، و متأسفانه این وضع در بسیاری از بخش های صنعت صادق است.

وزارت صنایع طی حدود یک دهه با دست و دل بازی به هر متقاضی، موافقت اصولی و سپس پروانه بهره برداری داد و وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی نیز هماهنگ با وزارت صنایع از دادن پروانه بهره برداری و بهداشتی دریغ نکرد.

وزارت صنایع با مبتنا قرار دادن سیاست بازار آزاد، و با هدف ایجاد رقابت در تولید، بدون توجه به میزان مصرف داخلی و امکانات احتمالی صادراتی کشور، در تمام رشته ها مبادرت به صدور پروانه می کرد. جالب این که پروانه های صنعتی مستقلاً در مراکز استانها صادر می شد و لذا امکانات محلی و خصوصیات و شرایط اجتماعی و فرهنگی منطقه کمتر مورد توجه قرار می گرفت. ادارات کل صنایع، جهاد سازندگی و حتی ادارات تعاون نیز فقط به این دلیل که فلان رشته صنعت در آن استان وجود ندارد، اقدام به صدور پروانه می کردند.

به عنوان مثال می توانیم به استان محرومی چون سیستان و بلوچستان اشاره کنیم که اهالی آن عادت و

آشنایی کافی با مصرف پوشک، نوار بهداشتی و دستمال کاغذی نداشتند و علاوه بر این قدرت خریدشان نیز پائین بود معهذاً به چند واحد پروانه ساخت فرآورده های سلولزی بهداشتی داده شد. اینک فقط یک، و گاه دو کارخانه از این واحدها اقدام به تولید می کنند، معهذاً از لحاظ بازار فروش دچار مضیقه هستند!

افزایش قیمت ها و کاهش قدرت خرید

به موازات صدور بی رویه پروانه های صنعتی در سالهای اخیر، تورم نیز به خودی خود سدی در برابر افزایش مصرف ایجاد کرده است. خانوارهایی که قبلاً می توانستند از محل دریافت «حقوق» علاوه بر تأمین نیازهای سفره غذای خود، کالاهای دیگری را نیز بخرند، به تدریج ناچار شدند خرید برخی از مواد مصرفی را قطع کنند و یا میزان خرید را تقلیل دهند.

برای حقوق بگیران که براساس آمارهای غیررسمی عدّه آنها به ۶ میلیون نفر می رسد و با خانواده هایشان نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می دهند، برخی هزینه ها که در سالهای قبل رقم چشم گیری را تشکیل نمی داد به سرعت تبدیل به

ارقامی شد که تأمین آنها به صورت بار سنگینی درآمد. تعرفه های آب، برق، گاز، تلفن و پست، و قیمت گازوئیل، نفت، بنزین و هزینه های تحصیلی، بهداشتی و درمانی و کالاهای و خدمات دیگری از این قبیل نه یک بار، که بارها، و هر بار نه ۲ درصد و ۳ درصد که ۵۰ درصد، ۱۰۰ درصد و بیشتر افزایش یافت.

در این سالها، مدیران بخش دولتی اغلب بنا پوشه ای در دست، وارد جلسه شورای اقتصاد می شدند و آمار و ارقامی از قیمت های تمام شده خدمات و کالاهای مربوط به سازمان خود را ارائه می دادند و اعضای حاضر در جلسه نیز با مختصری بحث و گفتگو قانع و تسلیم می شدند و رقم پیشنهادی برای افزایش قیمت ها را با کمی چانه زدن تصویب می کردند.

در تمام این موارد مهم ترین دستورالعمل این بود که افزایش قیمت ها به هیچ وجه نباید قبلاً اعلام شود، بلکه قیمت های جدید باید در قبض های جدید منعکس شود تا مصرف کننده خود به تغییر قیمت ها پی ببرد! به موازات گران شدن ها، برخورد مأموران و کارگزاران با مردمی که در پرداخت و جوه مربوطه به عمد و یا به سهو تعلل می کردند نیز شدیدتر شد، تا

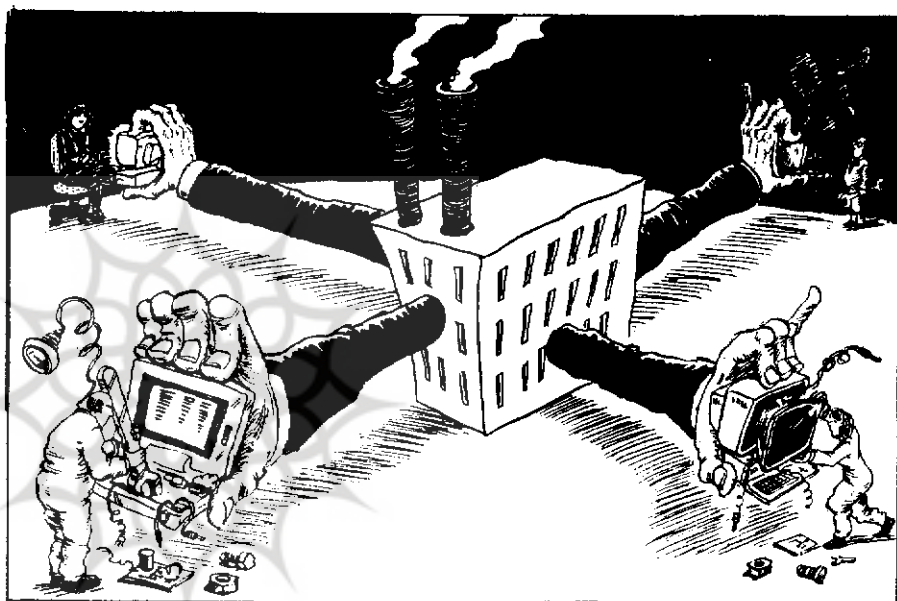
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دفتر مرکزی: تهران، خیابان استاد مطهری، خیابان شهید سلیمان خاطر، (امیراتابک) خیابان سعدالدین وراونی، پلاک ۳۹، شماره ۲
تلفن: ۸۸۲۱۶۷۳-۸۸۳۴۶۴۶-۸۸۳۴۷۲۷-۸۸۳۷۷۷۷-۸۸۲۷۵۵۱-۸۸۳۳۳۳۲ فاکس: ۸۸۳۰۹۶۳
شعبه بندر عباس، تلفن: ۳۰۰۹۰-۷۶۱

آنجا که در مواردی عدم پرداخت حتی یک قبض در مدت معین، به قطع تلفن، آب، گاز و برق می‌انجامد و در مواردی برای یک تأخیر کوتاه مدت جریمه‌ای سنگین دریافت می‌شد.

وعده رسیدن به خودکفایی که بذر امید را در دل ایرانیان کاشته بود و این نوید را می‌داد که یکی از هدفهای انقلاب بزودی تحقق خواهد یافت به تدریج مسخ شد و نهایتاً به ایجاد شرایطی انجامید که بموجب آن هر وزارتخانه یا سازمان می‌کوشید از لحاظ تأمین نیازهای مالی بی‌حد و حساب خود، خودکفا شود و برای نیل به این هدف، از هر وسیله و شیوه‌ای-خواه قانونی، خواه خلاف قانون-برای دریافت پول از مردم استفاده می‌کرد.

تورم، ضمن آن که معادله عرضه و تقاضا را بهم ریخت، مانند بولدورز بنیان ارزشهای اجتماعی و اخلاقی ما را تضعیف کرد و محبت، دوستی، صفا، صداقت، گذشت، عطفوت، رحیم و شفقت، راستی، درستی و راستگویی و حتی میهمان‌نوازی را که بارزترین خصیصه ایرانی جماعت است، تخریب کرد. نکته دیگری که ذکر آن ضرورت دارد این باور برخی از دولتمردان و سیاستگزاران اقتصادی بود که الگوهای مصرف باید تغییر کند و افزایش مصرف در همه زمینه‌ها به کلی مردود و مذموم است. نظریه تغییر الگوی مصرف در صورتی می‌تواند مفید باشد که سرمایه‌گذاری‌ها به بخش‌هایی متمایل شود که از نظر اقتصادی و ارزش افزوده و بکارگیری



مثلاً برای اخذ یک انشعاب برق به عناوین مختلفی چون میزان آمپر، کابل مصرفی، حفاری مسیر، کنتور، فاصله از مرکز ترانسفورماتور و مواردی از این قبیل وجه مطالبه و دریافت می‌شد.

به ندرت دیده شده که اجرای برنامه خودکفایی در درون سازمانی صرفه‌جویی بیشتر، مدیریت صحیح‌تر، کاهش هزینه‌های زاید و بهره‌وری بیشتر را به ارمغان آورد.

بدین لحاظ ریخت و پاش‌ها زیادتر شد، تعداد اتومبیل‌های دولتی افزایش یافت، میز و صندلی و وسایل لوکس‌تری خریداری شد و سرانجام کارمندان بیشتری به استخدام دولت درآمدند و لاجرم وجود ساختمانهای بزرگ‌تر و گران‌بهاتری ضرورت یافت تا بتوان عرض و طول افزایش یافته دولت را در آنها جای داد!

تضعیف ارزشها

دولتی و برخوردار ایشان با کارآفرینان نیز رنج می‌برد، زیرا متأسفانه نحوه برخورد این نمایندگان دولت غالباً تند، خشن و تهدیدآمیز است.

صنایع باید تحت عناوین مختلفی چون مالیات، تأمین اجتماعی، پرداخت به شهرداریها، پرداخت به آموزش و پرورش، کمک به حفظ محیط زیست، عوارض تولید سیمان، عوارض کارخانه‌های صنایع تبدیلی کشاورزی، عوارض مربوط به توسعه فضاهای ورزشی کارگری، ثبت سفارش، عوارض ویژه صادرات و واردات، تأمین منابع مالی تحقیقات صنعتی و... همه ساله وجوهی پرداخت کنند. یک واحد تولیدی هنگام ورود مواد اولیه یا قطعات مورد نیاز نیز باید ارقام قابل توجهی بابت حقوق گمرکی، سود بازرگانی، عوارض شهرداری، هلال‌احمر، تعاون، صادرات، جریمه عدم ترخیص پس از ۴۵ روز، جریمه توقف کالا در گمرک، بیمه بین راه، هزینه ترانزیت داخلی، تخلیه، بارگیری، بهداشتی، هزینه‌های بندری، عوارض آسفالت، عوارض هوایی، انبارداری، و سود ویژه بپردازد. با چنین پرداخت‌هایی می‌توان از صنایع توقع رشد داشت؟ می‌توان از چنین صنایعی متوقع بود کالاهایی تولید کنند که از لحاظ کیفیت و قیمت قدرت رقابت با کالاهای مشابه خارجی داشته باشند؟ از طرفی، سر و کار این صنایع با کارکنانی است که از لحاظ معیشتی چون سایر کارکنان با مضایق شدید مواجه هستند. یک مهندس صاحب نظر و کارشناس با ۱۷، ۱۸ سال سابقه کار ماهیانه مبلغی در حدود ۷۰ هزار تومان دریافت می‌کند، رقمی که شاید کرایه یک واحد مسکونی دو اتاقه را در بسیاری از نقاط شهر تهران تأمین نکند.

بانکهای کشور نیز در شرایط فعلی حدود ۷۰

درصد امکانات خود را به موجب تبصره‌های تکلیفی قانون بودجه و مصوبه‌های قانونی دیگر در اختیار دولت و شرکتهای وابسته که در کار تولید بخش خصوصی نقش بسیار محدودی دارند می‌گذارند و در مرحله بعد پرداخت اعتبار و امتیاز به بخش‌های ساختمان و واردات را ترجیح می‌دهند!

مضایق و فشارهای تحمیل شده به بخش صنعت، در تمام زمینه‌ها این بخش را به شدت آزار می‌دهد و مدیران و صاحبان صنایع، یعنی کارآفرینان کشور را در حالی انفعالی قرار داده است.

در حالی که دولت قبلی آزادسازی اقتصادی را سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده بود، گروهبانی با اهدافی ویژه به سرمایه و سرمایه‌داری با طرح شعارهای تعصب‌آمیز ماهیتی ضد ارزشی داده بودند، در حالی که اگر سرمایه در کار مولد و مفید اقتصادی به کار افتد و سرمایه‌گذار با صحت و درستی به کسب منافع توفیق یابد، رونق و رفاه نصیب کشور و مردم

منابع ملی مفیدتر و مثبت‌تر باشد و صنایع صادراتی کشور را تقویت و حمایت کند.

نگاهی گذرا به روند توسعه اقتصادی در کشورهایمانند چین، هنگ کنگ، کره جنوبی، سنگاپور، تایوان، اندونزی، مالزی، فیلیپین، تایلند نمایانگر این واقعیت است که رشد اقتصادی و افزایش تولیدات در این کشورها نخست بر پایه رشد مصرف داخلی استوار بوده است. به عبارت دیگر، رشد مصرف در آغاز توسعه صنعتی سکوی پرش صنایع بوده و سپس اتخاذ سیاستهای به جا و حساب شده زمینه را برای توسعه صادرات مساعد کرده است.

این کشورها در دهه ۱۹۸۰ به یک رشد اقتصادی سالانه ۷/۷ درصدی دست یافتند در حالی که رشد اقتصادی جهان در همین دوران از سه درصد تجاوز نکرد.

بخش صنعت کشور ما در حال حاضر علاوه بر همه گرفتاریها، از نحوه عملکرد مأموران و کارشناسان

می‌شود. اما چنانکه دیدیم آن شعارهای افراطی روز به روز کار شرافتمندانه و تولید را بیشتر به حاشیه راند و میدان را برای فعالیت‌های مخرب دلالی و زد و بند و ایجاد بازار سیاه مساعد کرد.

از طرفی، اتخاذ سیاست‌های متغیر و خلق الساعه و تصمیمات متضاد و متنوع، از مدیران صنعت ما بندبازانی ساخته است که همواره باید مراقب چوب تعادل خود باشند، و لذا دیگر فرصتی برای اندیشه کردن، برنامه ریختن، نوآوری و تلاش برای بهینه‌سازی صنعت برای کسی باقی نمی‌ماند.

وظیفه نمایندگی‌های سیاسی

در این سیستم نه دولت به تولیدکننده اعتماد دارد و نه تولیدکننده دولت را حامی و یاور و راهنمای صادق خود می‌داند.

به اعتقاد کارشناسان با توجه به مطالباتی که برای سامان‌دهی اقتصاد کشور آغاز شده است لازم است این مطالعات بر همکاری کارشناسان واقع‌بین بخش دولتی و متخصصان صادق و درست اندیش بخش خصوصی و صاحب‌نظرانی خارج از محدوده این دو

باید کاری کرد که تولیدکنندگان و کارآفرینان از حالت انفعالی کنونی خارج شوند و به ابداع و خلاقیت متمایل شوند.

بخش (از جمله استادانی ژرف‌نگر از دانشگاه‌های کشور) مبتنی شود و تمام ابعاد و زمینه‌ها و بخش‌های مربوط به تولید و صنعت را در برگیرد. این گروه‌ها باید راه کارهایی را پیشنهاد کنند که از هرجهت با سیاست‌های کلان اقتصادی کشور هم‌خوانی داشته باشد و دست کم به مدت پنج سال تداوم یابد.

باید بین بخش‌های دولتی و خصوصی اعتماد متقابل حاکم شود و دولت در حالی که حقوق حقه خود را مطالبه و وصول می‌کند، نباید از یاد ببرد که تحت فشار گذاشتن منابع، تولیدکننده را به کج راهه می‌کشاند و او را به فرار از پرداختها و عدم اجرای

مقررات و قوانین با توسل به هر ترفندی و وسیله متمایل می‌سازد.

وجود چنین شرایطی نه تنها دولت را برای کسب درآمدهای منطقی بسیاری نمی‌دهد بلکه با فراهم شدن زمینه‌های فساد، ارزشهای جامعه هم به تخریب کشانده می‌شود.

دولت باید در تدوین سیاست‌ها و مقررات جدید جسارت تحمل خسارت‌های موقت را داشته باشد و بداند که با گردش صحیح چرخ‌های صنعت و اقتصاد این زیان‌ها در آینده

جبران خواهد شد. با اتخاذ سیاست‌های منطبق با نیازهای کنونی کشور و جهان، ایران اسلامی توفیق خواهد یافت حضوری پرصلابت و قدرتمند و مداوم در بازارهای جهانی داشته باشد. برای حصول به این مقصود ضرورت دارد سفارت‌خانه‌های ما در کشورهای مختلف ضمن انجام امور محدود کنسولی، بقیه توان بالقوه خویش را به مسایل اقتصادی و بازرگانی و یافتن راه کارهایی جهت صدور بیشتر کالاهای ایرانی به بازارهای خارج اختصاص دهند.



تابنده مهر

TABANDEH MEHR

شماره ثبت: ۹۶۰۰

* مؤسسه تابنده مهر هیتکر فاکس مترجم ۲ ساعته (2 Hours Fax - Translator) در لیرلن *

متون بازرگانی خود را از طریق فاکس برای ما ارسال دارید و ظرف مدت ۲ ساعت متن ترجمه و تایپ شده آن را روی میز خود ملاحظه نمائید. همکاری با ما صرفه‌جویی در وقت و هزینه شماست.

ترجمه کلیه متون علمی - فنی - پزشکی - هنری - کاتالوک و بروشورهای تبلیغاتی - کتاب جزوه و... از طریق فاکس و یا تحویل در محل

جهت کسب اطلاع بیشتر

با صندوق پستی ۶۹۸۱ - ۱۴۳۹۵ یا تلفکس ۲۲۱۵۵۸۸

تماس حاصل فرمائید.